

متن پرسش

به نام خدا سلام بر جناب استاد طاهرزاده حفظکم الله: آقای دکتر سروش اگر اشتباه نکنم در مبحث تقلید فرمودند از هر یک از فقهای شیعه یا سنی حی یا میت می‌توان تقلید کرد و عرفا بعضا کتاب اسهل الفتاوا داشتند و در مسائل از آن فتوایی پیروی می‌کردند که آسانتر بوده است. در همین راستا حقیر برای آنکه شریعت سد راه طریقت نشود بعضا از فتاوایی که آسان‌تر است پیروی می‌کنم مهم اینست که عمل انسان مبتنی بر فتوای یک فقیه باشد و شریعت سهله را نباید با احتیاط‌های نابجا بر خود صعب کرد و در نتیجه موجبات طغیان نفس را فراهم کرد که محل طریقت است مشکلی از حیث تقلید از هریک از فقهای شیعه حیا او میتا فارغ از آن فرمایش استاد سروش ندارم. چون در مسائل تقلید از فقهای پیروی می‌کنیم که ۱. اعلییت را شرط نمی‌دانند. ۲. زنده بودن مرجع را لازم نمی‌دانند. بنابراین دست من در تقلید از هر یک از فقها باز است. در بحثی که با یکی از فقهای اصفهان داشتم گفتم شما اعلییت را شرط نمی‌دانید من هم نمی‌دانم بنابراین مشکلی در تقلید من از شما نیست. البته ایشان چون مرجع نیستند نمی‌خواستند زیر بار افتا بروند. اما مشخص بود در برابر استدلال من جوابی نداشتند و من مجاز به تقلید از ایشان بودم به هرجهت در تقلید از فقهای شیعه مشکلی ندارم. اما تقلید از فقهای اهل سنت که دکتر سروش گفتند مجازست آیا ایشان با توجه به آشنایی شما با ایشان و تحصیلات حوزوی که احتمالا داشتند مجتهد هستند تا با توجه به سخن ایشان این امکان فراهم شود از فقهای اهل سنت هم تقلید کرد؟ و اگر مجتهد نیستند مجتهدی سراغ دارید که تقلید از فقهای اهل سنت را مجاز بداند البته من با توجه به نگاه ابن عربی معتقد به بسط دیدگاه شان هستم و نظرم بر این است که باید لاقلا به این اندیشید که می‌توان در عین اینکه کشف احمدی را اتم می‌دانیم لکن قائل به جواز تعبد به جمیع شرایع شد پس اشکالی بر اتخاذ احکام از شریعت موسوی یا عیسوی نیست و حضرتعالی فکرکنم شیخ را عقیدتا شیعه و از نظر فقهی سنی دانستید و نمی‌شود که خاتم الاولیا در مکاشفات نفهمیده باشد اعمالش به خاطر تبعیت از فقه سنی باطلست و چگونه با این اعمال باطل به حقیقت رسیدند پس مشاهده می‌کنیم فقه سنی یا شیعه اهمیتی ندارد و هریک از فقهای شیعه یا سنی می‌توانند طریق رسیدن به حقیقت باشند سوال دیگر من اینست که شیخ اکبر راجع به تقلید از سایر شرایع چه نگاهی دارند دقت شود فقه مثلا مسیحی نه اینکه مسیحی شویم بلکه در عین اینکه مسلمانیم در مسیر سلوک ممکنست همه فقها فلان مساله را حرام بدانند لکن نفس چموشی کند ولی حضرت عیسی جایز بدانند ما هم اگر بشود از ایشان پیروی کنیم تا نفس سرکش آرام بگیرد و ما هم گرفتار تجری نشویم و حجت داشته باشیم که در دین مسیحی شراب حلال بود و ما نوشیدیم نظر

محلّ الدین درین باره چیست اگر بشود همه سوالات را پاسخ دهید و جواب کلی ندهید ممنونم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحث در زنده بودن در زمانه‌ای است که زندگی می‌کنیم و مسلم باید در دینداری در حوزه‌ی احکام، از طریق کسی که به او اطمینان دارید در زمانه‌ای که هستیم، تکلیف ما را می‌شناسد و ابلاغ می‌کند و در این رابطه و در این زمان با روبه‌رو بودن با این همه مسائل، باید به فکر فقیه زنده و اعلم بود، و یا خودمجتهد بود. ۲. آقای سروش نه مجتهدند و نه چنین ادعایی دارد و فکر نمی‌کنم فقیهی باشد که بتواند به تقلید از اهل سنت فتوا دهد. ۳. ابن عربی خودش هم بالاخره از امام حنفی تقلید می‌کند و موضوع انس با روحانیت پیامبران، غیر از موضوع تقلید در احکام فقهی از آنان می‌باشد. موفق باشید